

رویکرد فقه نسبت به هزینه‌های تحصیل و درمان در نفقه زوج

زینب مشهودی*، ابراهیم شیبیری**

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۶/۰۱؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۰۷/۲۸)

چکیده

این پژوهش، کوشیده است محدوده فقهی - حقوقی نفقه زوج را مشخص کند. طبق اصل ۱۶۷ قانون اساسی در مواردی که قانون درباره حکم مسئله‌ای اجمال یا سکوت کرده باشد باید حکم مسئله مورد نظر از منابع فقهی و نظر فقها استخراج شود. در ماده ۱۱۰۷ قانون مدنی جمهوری اسلامی ایران موارد نفقه زوج به نحو تمثیلی شمرده شده است، اما درباره تعیین محدوده هزینه‌های تحصیلی و درمانی وی، صراحت یا حتی بیان ضمنی وجود ندارد. از این رو برای استخراج حکم این موارد باید به منابع و دکتترین معتبر فقهی رجوع کرد. در این راستا با بررسی نظریات فقهی در خصوص نفقه زوج، این نکته را اثبات می‌کنیم که نفقه افزون بر مواردی هم‌چون خوراک، پوشاک و مسکن، مواردی مانند هزینه‌های تحصیلی و درمانی زوج را نیز در بر می‌گیرد. البته در این زمینه اختلاف نظرهایی وجود دارد ولی طبق روال متعارف و معمول، نظر مشهور ارجح است. از این رو با توجه به شرایطی که ضمن پژوهش مطرح می‌گردد هزینه‌های یاد شده به‌طور مشروط جزو نفقه زوج محسوب می‌شوند نه به‌طور مطلق، بر خلاف سایر موارد متعارف در نفقه.

کلیدواژگان

نفقه، تمکین، نشوز، زوج، نفقه.

* نویسنده مسئول: مدرس دانشگاه شهید محلاتی، دکترای فقه و مبانی حقوق اسلامی، پژوهشگر حوزه زن و خانواده
موسسه علمی - تحقیقاتی فتوح اندیشه، قم، ایران، رایانامه: z.mashhoodi@chmail.ir
** پژوهشگر حوزه مدیریت اقتصاد خانواده، دانشجوی کارشناسی ارشد رشته مدیریت، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی،
قم، ایران

مقدمه

در فقه اسلامی، برای زوج تکالیف واجبی در قبال زوجه قرار داده شده که یکی از آن‌ها نفقه است. در قانون مدنی جمهوری اسلامی ایران مصادیقی از نفقه به نحو تمثیلی شمرده شده است: «نفقه عبارت است از مسکن و البسه و غذا و اثاث البیت که به طور متعارف، با وضع زن متناسب باشد و داشتن خادم، در صورت عادت داشتن زن به خادم یا احتیاج او به خادم به واسطه مرض یا نقصان عضو.» از مواردی که می‌تواند مشمول مبحث نفقه زوجه شود هزینه‌های درمانی و تحصیلی زوجه است که یک بحث مهم فقهی است و از نظر تبیین محدوده نفقه، به عنوان یکی از مهم‌ترین حقوق زوجه جایگاه ویژه‌ای در منابع فقهی - حقوقی دارد. از این‌رو این بحث از نظر جایگاه در زمره مباحث فقهی - حقوقی و در حوزه علوم انسانی قرار دارد. در بحث انفاق، نفقه زوجه در کنار نفقه خویشاوندان و سایر موارد انفاق مطرح می‌شود با این تفاوت که نفقه زوجه یکی از دیون ممتاز بر ذمه زوج است که بر نفقه خویشاوندان و دیگر موارد انفاق برتری دارد به این معنا که اگر زوج از پرداخت نفقه خویشاوندانش عاجز باشد به ناچار باید نفقه زوجه را بپردازد و این دین، از ذمه او ساقط نمی‌شود. نفقه یکی از حقوق مهم زوجه است که وی بعد از تحقق عقد نکاح و با وجود شرایطی مستحق دریافت آن است. (اسلامی، ۱۳۸۶، ص ۱۲۰) ذکر این نکته نیز ضروری است که روشن شدن جایگاه علمی بحث نفقه زوجه و ویژگی‌های آن، نه تنها از نظر موضوع‌شناسی دقیق فقهی - حقوقی کاربرد دارد بلکه در زندگی همسران هم آثار مثبت و سازنده فراوانی خواهد داشت. درباره بحث نفقه زوجه تحقیقاتی چند صورت گرفته است، اما بیشتر به صورت کلی بوده و فقط به بررسی مواردی پرداخته‌اند که در قانون مدنی ذکر شده است. از این‌رو در این تحقیق تلاش شده است به بررسی جزئی‌تر مسئله، یعنی بررسی شمول هزینه‌های تحصیلی و درمانی در نفقه زوجه بپردازیم که در قانون مدنی مجمل است.

تبیین واژگان و اصطلاحات

مصادیق نفقه، مبحثی است که بررسی آن نیازمند تبیین و توضیح ابعاد مختلف مرتبط با موضوع

است. از این رو برای طرح و بیان این موضوع، ناچاریم لغاتی را بشناسیم و معانی لغوی و اصطلاحی آن‌ها را تبیین کنیم.

معنا و مفهوم نفقه

الف) معنای لغوی

نفقه به فتح «ن» و «ف» و «قاف» اسم مصدر، از باب افعال (انفاق) و جمع آن نفاق و نفقات است. نفقه در لغت، یعنی آن چه که انفاق و بخشش کنند. هم‌چنین نفقه، چیزی است که صرف هزینه‌های عیال و اولاد کنند. هزینه زندگی زن و فرزندان، روزی و مایحتاج و معاش است (الحسینی الزبیدی، ۱۱۴۵: ص ۵۳۲؛ معین، ۱۳۸۴: ص ۴۷۷۷؛ میرزایی، ۱۳۷۷: ص ۵۶۷) که این معنا از نفقه، موضوع بحث ما در این پژوهش است.

دانشمندان علم لغت، ریشه واژه نفقه را معمولاً دو چیز می‌دانند:

۱. خروج، رفتن، هلاک شدن؛

۲. به معنای شیوع و رواج پیدا کردن؛ چنان‌که در المنجد آمده: «نفق، ینفق، نفقا، و فنی و قان؛ چیزی که کم شده، از بین رفته، ته کشیده» (لوئیس، ۱۴۲۳: ص ۸۲۸)، معنای دوم (به معنای شیوع و رواج و چیزی که کم شده است) به نفقه مورد بحث ما در این پژوهش که به معنای خرج کردن برای زوجه است، نزدیک‌تر است.

جوهری نیز در میان موارد کاربرد کلمه نفقه، تفاوت قائل شده است و می‌نویسد: «نفقة الدابة، تنفق نفوقاً ای ماتت، و نفق البیع نفاقاً» یعنی هنگامی که این واژه (نفقه) در مورد حیوان به کار می‌رود به معنای مرگ و هلاک حیوان است و چنان‌چه در مورد معامله‌ای استفاده شود به معنای شیوع و رواج آن است. (جوهری، ۱۴۰۵: ص ۲۴۷)، در علم حقوق، نفقه به معنای نفقه دادن و خرج کردن، مورد نظر است. (امامی، ۱۳۷۳: ص ۴۲)

ب) معنای اصطلاحی

از نظر عرف، آن چه که زوجه به آن نیاز داشته باشد، جزو نفقه به شمار می‌رود. به طور کلی، با استنباط از متون فقهی امامیه و عامه نفقه در اصطلاح شرع عبارت است از: «چیزی که زن برای

معیشت به آن نیازمند است؛ مانند طعام، لباس، مسکن، و آنچه میان مردم متعارف باشد.» (محقق داماد، ۱۳۸۴: ص ۲۹۵) و قانونگذار آن را در قانون مدنی بیان کرده است. (ماده ۱۱۰۷: بند ۱)

معنا و مفهوم تمکین

الف) معنای لغوی

تمکین از ریشه (مکنّ یکن تمکیناً له فی الشی) است یعنی او را بر آن چیز مسلط و توانا ساختن، چنان که خداوند می فرماید: «(انا مکنا فی الارض)؛ ما به او قدرت و چیرگی در روی زمین دادیم» (کهف: ۸۴) «مکن فلانا من الشی؛ یعنی فلانی را به آن چیز توانا و چیره ساختن» (جصاص، ۱۴۲۶: ص ۸۸۱)؛ (مصطفی، ۱۴۲۶ق، ص ۳۸)

در فرهنگ فارسی معین، تمکین این گونه معنا شده است: «تمکین لغتی است عربی و مصدر متعدی به معنای: الف) دست دادن، به فرمان بودن، فرمان بردن؛ ب) قبول کردن، پذیرفتن» (معین، ۱۳۸۴: ص ۴۷۰۵)، (میرزایی، ۱۳۷۷: ص ۵۶۷)، برخی می گویند: تمکین در لغت، به معنای جا دادن و پا برجا کردن و جای گرفتن است و مراد از آن، آماده بودن زوجه است برای زوج به منظور استمتاع هر وقت که بخواهد، مگر با عذر شرعی (شریف، ۱۳۷۶: ص ۲۸۹)، که این تعریف به بحث ما نزدیک تر است.

ب) معنای اصطلاحی

مراد از تمکین در اصطلاح، آن است که «زن میان مرد و خودش، مانعی ایجاد نکند و حاجب و مانع را بردارد؛ اعم از آن که رفع مانع به زبان و سخن باشد یا عملاً و فعلاً رفع مانع کند.» (صدیق اورعی، ۱۳۸۰، ص ۳۲)؛ (میرزایی، ۱۳۷۷، ص ۲۴)

در صورت تحقق تمکین، به اجماع فقها نفقه بر زوجه واجب می شود؛ یعنی هر گاه زن به این شکل تمکین کند، به گونه ای که مکان و زمان خاصی را اختصاص ندهد و استمتاع بر مرد حلال باشد، انفاق واجب است. اگر زن، خود را در زمان و مکانی غیر از زمان و مکان مورد نظر زوج، تسلیم او کند استمتاع حاصل نمی شود. در این فرض، تمکین که یکی از شروط انفاق است محقق نمی شود. قطعاً تحقق نیافتن تمکین که به دلیل تحقق نیافتن استمتاع است موجب نشوز می شود و

در صورت نشوز زوجه، نفقه واجب نیست. (نجفی، ۱۴۰۶: ص ۳۰۳)؛ (یزدی، ۱۳۸۴: ص ۷۱۵)؛ (لنگرودی، ۱۳۸۱: ص ۱۷۸)، حقوقدانان در معنای اصطلاحی تمکین گفته‌اند: «تمکین عبارت است از اظهار اطاعت زوجه به زوج.» (شیرازی، ۱۳۸۶: ص ۲۸۵)؛ (لنگرودی، ۱۳۷۶: ص ۱۷۳).

ج) اقسام تمکین

تمکین به دو قسم زیر است:

۱. تمکین عام: به معنای انجام وظایف زوجیت، تبعیت از همسر، و استقرار در منزل مشترک

است. (شریف، ۱۳۷۶: ص ۲۵۴)

۲. تمکین خاص: زناشویی و انجام روابط خصوصی و تمتعی فیما بین. (کاتوزیان، ۱۳۸۷: ص

۵۲).

بدیهی است در صورت تمکین نکردن زن از شوهر، بدون مانع شرعی و قانونی، به تجویز قانون مدنی، زن، ناشزه به شمار می‌آید و زن ناشزه نیز به علت نشوز، مستحق نفقه نخواهد بود.

(ماده ۱۱۰۸: بند ۱؛ محقق حلی، ۱۴۱۳: ص ۲۹۶)

معنا و مفهوم نشوز

الف) معنای لغوی

نشوز در لغت، مقابل تمکین و به معنای ناسازگاری، بدرفتاری، مطیع نبودن و خروج از اطاعت

است. (حسینی زبیدی، ۱۱۴۵: ص ۴۵۶)

ب) معنای اصطلاحی

نشوز در زوجه، خروج او از اطاعت شوهر است یعنی این‌که شوهر را تمکین نکند و آنچه که نفرت‌انگیز است و با تمتع و لذت بردن شوهر از او ضدیت دارد، از خود برطرف نسازد و نظافت و آرایش خود را ترک کند. ولی در آنچه اطاعت از شوهر واجب نیست، ترک آن موجب تحقق

نشوز نیست. (تنکابنی، ۱۳۸۱: ص ۴۲)؛ (امامی، ۱۳۸۰: ص ۴۲)

شمول مخارج درمانی زوجه در نفقه، از دیدگاه فریقین

در ماده ۱۱۰۷ قانون مدنی مصادیق و مواردی از نفقه بیان شده است اما همان طوری که حقوقدانان معتقدند: موارد مذکور در ماده فوق جنبه حصری ندارد بنابراین هزینه دارو، درمان و بسیاری از چیزهای دیگر که جزء لوازم معاش متعارف است و شامل نفقه می شود. آنچه ملاک و معیار نفقه است متعارف و عرف زمان و مکان زندگی زوجین است. (کاسانی حنفی، ۱۴۱۸ق، ص ۳۲)

از دیدگاه حضرت امام خمینی (ره) نفقه شرعاً اندازه ای ندارد بلکه قاعده این است که به آنچه که زن احتیاج به آن دارد از قبیل غذا و خورش و پوشاک و فرش و پرده و مسکن و خادم و وسائلی که برای آشامیدن و پختن و نظافت و غیر اینها به آن نیاز دارد قیام نموده و فراهم آورد. در دیدگاه فقهی حضرت امام (ره) در مقام تعیین نوع مصادیق نفقه وضعیت مزاج زن و عادت زن و امثال وی مطابق متعارف ملاک و معیار است و چنانچه زن به خوراکی عادت دارد که نخوردن آن موجب ضرر وی می شود بر مرد لازم است که آن خوراک را فراهم آورد. بنابراین آنچه در ماده ۱۱۰۷ قانون مدنی ایران به عنوان مصادیق نفقه ذکر شده است انحصاری نیست بلکه بیشتر جنبه تمثیلی دارد و در هر حال ملاک عرف محل و وضعیت زن و امثال وی است البته باید موقعیت مالی شوهر نیز لحاظ شده و مد نظر قرار گیرد. فقهای امامیه معمولاً نفقه زوجه را به معنای عام لباس، غذا و مسکن گرفته‌اند و می‌گویند: نفقه، تأمین هزینه‌های زندگی کسی است آن‌گونه که بنا بر عادت به آن نیازمند است اعم از خوراک، پوشاک، مسکن و دیگر نیازهای زندگی. فقهای عامه نیز نفقه را چنین تعریف می‌کنند: «نفقه در اصطلاح، خارج کردن مال از دارایی کسی است که نفقه دادن بر او واجب است؛ از جمله، مواردی مانند: غذا، پوشاک و مسکن و آن چه که تابع آن است که بر زوج یا پدر یا مولا، واجب است.» (جزیری، ۱۴۰۶: ص ۵۵۳)؛ (قشیری نیشابوری، ۱۴۱۹ ق، ص ۱۵۲)؛ (ابی داوود، ۱۴۲۵ق، ص ۴۲۱)؛ (مغنیه، ۱۳۷۷، ص ۳۵).

قانون مدنی جمهوری اسلامی ایران در تعریف نفقه زوجه می‌گوید: «نفقه عبارت است از همه نیازهای متعارف و متناسب با وضعیت زن از قبیل: مسکن، البسه، غذا، اثاث البیت و هزینه‌های

درمانی، بهداشتی و خادم در صورت عادت زن به داشتن خادم یا احتیاج او به واسطه مرض یا نقصان اعضاء.» (ماده ۱۱۰۷: بند ۱) اگر ظاهر قانون را ملاک عمل قرار دهیم، هزینه‌های آرایش و موارد مشابه آن چنان‌که گروهی از فقهای امامیه گفته‌اند، جزو نفقه زوجه نیست. (طباطبایی، ۱۴۱۱: ص ۳۵۲)؛ (۲۳. فرشتیان، ۱۳۷۱، ص ۱۴)

اما قبول این نظریه، از دیدگاه برخی فقهای امامیه، خلاف مصلحت خانواده و اجتماع است و با ذوق سلیم و عرف نیز سازگار نیست. بنابراین می‌توان گفت آن‌چه در این ماده آمده حصری نیست و از کلمه احتیاج نیز که ذیل این ماده به کار رفته است، می‌توان این معنا را استنتاج کرد. (امامی و صفایی، ۱۳۸۰: ص ۱۵۱)، صاحب جواهر بعد از انتقاد از کسانی که نفقه را به اشیای معینی منحصر دانسته و به خصوص هزینه دارو، عطر، سرمه و حمام را استثنا کرده‌اند، رجوع به عرف را برای تعیین محتوای نفقه، مرجع می‌داند به‌ویژه توضیح می‌دهد که اگر مبنای نفقه، احتیاج زن باشد استثنای لوازم آرایش، دارو و دیگر اشیای یاد شده دلیلی ندارد (نجفی، ۱۴۰۶: ص ۲۵۷)، بنابراین در نفقه زوجه، چنان‌چه از قانون مدنی بر می‌آید، وضعیت زن و نیازهای وی به طور متعارف ملاک عمل است، نه وضعیت مرد. پس اگر زن از خانواده متمکنی باشد، شوهر به ناچار باید وسایل زندگی او را آن‌چنان‌که شأن اجتماعی و خانوادگی زوجه اقتضا می‌کند فراهم آورد. (ماده ۱۱۰۷: بند ۲) پرداخت نفقه در صورت تحقق تمکین زوجه بر زوج واجب می‌شود و الا در صورت ناشزه بودن زوجه وی مستحق نفقه نخواهد بود. نشوز، هم درباره زوج امکان پذیر است که در این صورت زوج را ناشزه می‌نامند و هم درباره زوجه که در این صورت او را ناشزه می‌نامند. (کریمی، ۱۳۶۵، ص ۵۴)

هر یک از همسران در قبال همسرش حقی دارد که قیام به آن واجب است اما حق زوج بیشتر است. از حقوق شوهر بر زن، این است که زن او را اطاعت کند و از خانه وی بدون اذن او بیرون نرود هر چند که بخواهد نزد اهل خودش برود حتی اگر برای عیادت پدر یا در عزای پدرش باشد. (ذهنی تهرانی، ۱۳۸۶، ص ۲۴)؛ (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶: ص ۵۳)، همچنین گفته‌اند با وجود مخالفت زوج، زوجه حق صدقه و هبه و نذر در مال خودش را ندارد ولی در حج یا زکات یا

نیکی به پدر و مادر، تابع امر زوج نیست. حق زن بر شوهر نیز این است که او را سیر کند و بپوشاند و اگر زن، نادانی کرد او را ببخشد و به او ترش رویی نکند همان‌طور که در اخبار وارد شده است. (اسلامی، ۱۳۸۶: ص ۵۴۰)

فقها اتفاق نظر دارند که نفقه شامل تمام مواردی می‌شود که زوج بر حسب عرف و عادت به آن‌ها محتاج است و اگر از آن‌ها استفاده نکند و زوج آن‌ها را در اختیار وی قرار ندهد، زیان می‌بیند. یکی از موارد نفقه زوج که به بحث بیشتری نیاز دارد و آرای متفاوتی در خصوص آن مطرح شده، هزینه‌های تحصیلی و درمانی زوج است. در ادامه، ابتدا وضعیت نفقه زوج در مخارج بیماری را بررسی می‌کنیم.

ماده (۱۱۰۷) از قانون مدنی که در تاریخ ۱۳۸۱/۸/۱۹ اصلاح شده، پیش از اصلاح چنین بوده: «نفقه عبارت است از مسکن و البسه و غذا و اثاث البیت که به طور متعارف با وضع زن متناسب باشد، و داشتن خادم، در صورت عادت داشتن زن به خادم یا احتیاج او به خادم به واسطه مرض یا نقصان عضو». ماده منسوخ، نفقه را حصری می‌دانسته و عبارت «از قبیل» را در ذکر مصادیق نفقه به کار نبرده است. هم‌چنین هزینه‌های بهداشتی - درمانی و امثال آن را در نفقه بیان نکرده است و این امر، باعث اختلاف در محاکم می‌شود که آیا هزینه‌های بهداشتی - درمانی زوج جزو نفقه وی به شمار می‌رود یا خیر؟

اما ماده ۱۱۰۷ اصلاحی قانون مدنی، مصادیق نفقه را تمثیلی قرار داده نه حصری همان‌طور که می‌گوید: «نفقه عبارت است از همه نیازهای متعارف و متناسب با وضعیت زن، از قبیل: مسکن، البسه، غذا، اثاث البیت، هزینه‌های درمانی، بهداشتی، و خادم، در صورت عادت داشتن زن یا احتیاج او به واسطه مرض یا نقصان عضو.»

اما این اشکال را می‌توان به این ماده اصلاحی وارد کرد که اگرچه این ماده، مصادیق نفقه را تمثیلی و هزینه‌های درمانی زوج را هم جزو نفقه دانسته اما محدوده هزینه‌های درمانی را ذکر نکرده است. البته این مسئله از مصادیقی است که در قانون اساسی آمده است که در موارد اجمال، سکوت و فقدان نصوص قانونی، باید به متون و اسناد و قواعد فقهی مراجعه و مطابق آن‌ها حکم صادر کرد. (اصل ۱۶۷؛ بند ۲؛ امامی، ۱۳۸۰: ص ۶۳)

نظر فقهای امامیه در مورد هزینه های درمانی زوجه، عمدتاً در این دو نظر خلاصه می شود:

۱. تحلیل بر مبنای فتوای امام خمینی(ره)

۲. تحلیل بر مبنای فتوای آیت الله خوئی(ره)

تحلیل بر مبنای فتوای امام خمینی(ره)

از نظر امام(ره) داروهای متعارفی که نیاز به آن‌ها زیاد و همه گیر است، جزو نفقه زوجه است ولی دارویی که در معالجات سخت مصرف می شود (مثل سرطان، پیوند قلب و...) و زوجه از باب انفاق به آن نیاز دارد به ویژه اگر بذل مال زیادی برای آن لازم باشد جزو نفقه زوجه محسوب نمی شود و بر ذمه زوج نیست که آن‌ها را از باب انفاق بپردازد. در مورد این که آیا اجرت گرفتن خون و حجامت در زمان نیاز به آن‌ها نیز جزو نفقه زوجه به شمار می رود یا خیر، امام خمینی(ره) می فرماید در آن تأمل است. ایشان مطلقاً چه با وجود عسر و حرج چه با عدم آن برای زوج پرداخت هزینه های غیر متعارف از سوی زوج را از باب احسان می دانند نه انفاق. (خمینی، ۱۳۷۹: ص ۱۰۳)؛ (اسلامی، ۱۳۸۶: ص ۲۸۵)

تحلیل بر مبنای فتوای آیت الله خوئی(ره)

آیت الله خوئی(ره) هزینه های درمانی حتی در بیماری های غیر متعارف را جزو نفقه می داند که زوج باید بپردازد ولی مرز و جوب آن را تا جایی می داند که زوج به سبب پرداخت این نفقه به عسر و حرج مبتلا نشود، اما اگر پرداخت این نفقه باعث عسر و حرج زوج شود، پرداخت بر او واجب نیست. ایشان پرداخت هزینه های غیر متعارف از سوی زوج را مطلقاً از باب احسان نمی دانند بلکه فقط در صورت در عسر و حرج بودن زوج، این پرداخت را از باب احسان می دانند و الا در صورت عدم قرار داشتن زوج در عسر و حرج، این پرداخت را از باب انفاق می دانند. (خوئی، ۱۳۸۶: ص ۲۵۳)

برای درک بهتر و بیان استدلال‌ها در این بحث، ابتدا نظر علمای امامیه را در مورد ابعاد مختلف موضوع ذکر می کنیم.

هزینه‌های درمانی ضروری زوجه

الف) دوران عقد و پیش از نزدیکی

علمای امامیه گفته‌اند: نفقه از تاریخ دخول مقرر می‌شود پس هر گاه دخول محقق شد زوجه چه مطالبه نفقه کرد و چه نکرد، مستحق نفقه است و باید به او داده شود پس نفقه در زمان عقد نکاح، حقیقتی متزلزل دارد که بعد از تحقق نزدیکی، حقیقتی ثابت می‌یابد.

از این رو، زمانی که همسران با هم عقد نکاح را منعقد کردند و نزدیکی محقق نشده باشد اگر زوجه بیمار شود اعم از بیماری معمولی و متعارف، مثل سرماخوردگی یا بیماری صعب‌العلاج، مثل سرطان و اعم از این که پیش از عقد (در منزل پدر) یا بعد از عقد (که باز هم زوجه در منزل پدری است) به آن بیماری مبتلا شده باشد، از نظر شرعی و قانونی زوج مسئولیتی در پرداخت هزینه‌های درمانی زوجه به عنوان نفقه ندارد مگر این که از نظر اخلاقی و از باب احسان این کار را بکند زیرا چنان که بیان شد علمای امامیه معتقدند اگر زوجه بعد از اجرای عقد، مدتی در خانه پدرش ماند و از شوهر خود مطالبه نفقه کرد (چه برای هزینه‌های درمانی و چه هزینه‌های دیگر) زوج ملزم به پرداخت آن نیست، چون شرط وجوب انفاق زوج به زوجه، دخول است. (حرعاملی، ۱۳۸۶: ص ۳۵۶)

ب) دوران بعد از ازدواج و تحقق نزدیکی

این هزینه‌ها خود به دو بخش تقسیم می‌شوند:

یک - بیمار بودن زوجه با منشأ پیش از ازدواج

آگاه بودن زوج از بیماری زوجه پیش از ازدواج: اگر زن پیش از ازدواج بیمار بوده و زوج نیز می‌دانسته که وی بیمار است (مثلاً مبتلا به آسم است)، چون زوج آگاه بوده و نزدیکی نیز محقق شده است، از نظر شرع و قانون باید هزینه‌های درمانی زوجه را بپردازد. البته امام خمینی (ره) متعارف بودن آن بیماری و هزینه‌های آن را در شمول مخارج آن در نفقه زوجه شرط می‌داند. بنابراین اگر بیماری یا هزینه‌های آن متعارف نباشد زوج وظیفه‌ای در پرداخت آن مخارج تحت عنوان نفقه زوجه ندارد. این فتوای امام خمینی (ره) آن قضیه عام (ثبوت نفقه بعد از دخول) را

تخصیص می‌زند. پس اگر زوج نیز آگاه باشد، به دلیل غیرمعارف بودن آن هزینه‌ها، وظیفه شرعی او نیست که از باب انفاق هزینه‌های درمان او را بپردازد بلکه از باب احسان می‌تواند این کار را بکند. (اسلامی، ۱۳۸۶: ص ۵۸)

آگاهی نداشتن زوج از بیماری زوجه پیش از ازدواج: در صورتی که زوج از بیماری زوجه آگاه نبوده باشد و بعد از نزدیکی و ازدواج متوجه شود در این صورت نسبت به زوج تدلیس رخ داده است. گرچه نزدیکی صورت گرفته و نفقه زوجه بر ذمه زوج ثابت و مستقر شده است، تحقق تدلیس در حق زوج، مانع از این است که هزینه‌های درمانی زوجه را جزو نفقه وی به شمار آوریم و زوج را ملزم به پرداخت آن کنیم بلکه از آنجا که نفقه متفرع بر صحت عقد نکاح است در چنین فرضی باید دید آیا زوج بعد از علم به تدلیس، صحت عقد نکاح را اجازه می‌دهد یا آن را فسخ می‌کند. اگر آن را فسخ کند، سالبه به انتفاع موضوع است و نفقه‌ای هم به عنوان هزینه بیماری بر ذمه زوج نیست. اما اگر صحت عقد نکاح را اجازه دهد، عقد نکاح صحیح است و زوج در قبال نفقه زوجه مسئولیت دارد، اما درباره مخارج بیماری وی مسئولیتی ندارد زیرا به آن جهل داشته است. البته ممکن است گفته شود زوج برای گرفتن هزینه درمانی زوجه، به مدلس رجوع می‌کند که اگر مدلس شخص زوجه باشد، خود زوجه باید هزینه‌های درمانی خود را بپردازد. (حسینی شیرازی، ۱۳۸۶: ص ۶۵)

دو - بیمار شدن زوجه با منشأ بعد از ازدواج و نزدیکی

نقش داشتن زوج در ایجاد بیماری زوجه: در صورتی که زوج در به وجود آمدن بیماری زوجه نقش داشته باشد از آنجا که اولاً یکی از شروط ثبوت نفقه که نزدیکی است، محقق شده و زوجه پیش از قبل به آن بیماری مبتلا نبوده بلکه بعد از ازدواج مبتلا شده و نیز عامل اصلی ایجاد آن بیماری یا هزینه درمانی (مثل هزینه زایمان یا ابدز و...)، زوج است از این‌رو زوج از نظر شرع و قانون وظیفه دارد هزینه درمانی زوجه را به عنوان نفقه واجب وی بپردازد. البته اگر دلیل شرعی و قانونی در این زمینه نباشد به حکم عقل می‌توان به وجوب پرداخت این هزینه‌های درمانی به عنوان نفقه زوجه از سوی زوج پی برد. (درمزاری، ۱۳۸۷: ص ۱۲۴)

نقش نداشتن زوج در ایجاد بیماری زوجه: در صورتی که بیماری زوجه بعد از ازدواج و نزدیکی محقق شده باشد ولی زوج در به وجود آمدن آن نقشی نداشته باشد، (مثلاً زوجه بعد از ازدواج مبتلا به سرماخوردگی و یا سرطان شود) طبق نظر مشهور امامیه به فتوای امام خمینی عمل می‌کنیم یعنی در مواردی که بیماری ساده و همه‌گیر بوده باشد به طوری که بیشتر افراد جامعه به آن مبتلا می‌شوند، هزینه آن بیماری جزو نفقه زوجه به شمار می‌رود ولی در صورتی که زوجه به بیماری سخت و صعب‌العلاجی مبتلا شود آن هزینه جزو نفقه محسوب نمی‌شود. از طرفی علمای امامیه به ثبوت نفقه بعد از دخول قائل شده‌اند که این قضیه عام است، ولی از طرفی این عام تخصیص می‌خورد زیرا امام خمینی می‌فرماید: دارویی که در معالجات سخت مصرف می‌شود و از باب انفاق زوجه به آن نیاز دارد، به‌ویژه اگر به بذل مال زیادی نیاز باشد، جزو نفقه نیست گرچه زوج از باب احسان می‌تواند این هزینه را بپردازد. (اسلامی، ۱۳۸۶: ص ۹۶)

هزینه‌های درمانی غیر ضروری زوجه

الف) دوران عقد و پیش از نزدیکی

در ماده ۱۱۰۷ قانون مدنی تصریح شده: «نفقه عبارت است از همه نیازهای متعارف، از قبیل،...»؛ پس قید متعارف که در صدر ماده آمده، دلیل مناسبی است تا در این‌جا نظر امام خمینی (ره) را اعمال کنیم که این قید متعارف، شامل همه موارد تمثیلی نفقه می‌شود. بنابراین وقتی قانونگذار می‌گوید «نفقه از قبیل مسکن، لباس و... است.» یعنی «مسکن متعارف، البسه متعارف، هزینه درمانی متعارف و...» پس در تمام مواردی که هزینه‌ها یا درمان‌ها متعارف بود و از این‌رو فرد را متحمل هزینه‌های فراوان می‌کند نظر امام خمینی ارجح است. بنابراین طبق نظر ایشان، زوج هیچ مسئولیتی در قبال چنین هزینه‌های درمانی ندارد زیرا اولاً نزدیکی که در نظر امامیه شرط ثبوت نفقه بود، محقق نشده است، ثانیاً آن درمان ضروری نیست و غیرمتعارف است و به تبع آن، هزینه‌ها نیز غیر ضروری و غیرمتعارف است. برای مثال، اگر زوجه در دوران عقد و پیش از نزدیکی بخواهد جراحی زیبایی بکند در صورتی که واقعاً به آن نیاز نداشته باشد، زوج از نظر شرعی و قانونی مسئولیتی در قبال پرداخت این هزینه ندارد اما اگر از نظر اخلاقی بخواهد این خواسته

زوجه را محقق کند، از باب احسان می‌تواند و مختار است که درخواست او را محقق سازد نه از باب انفاق. (لنگرودی، ۱۳۸۱: ص ۴۵)

ب) دوران بعد از ازدواج و تحقق نزدیکی

در دوران بعد از ازدواج، نزدیکی و دخول که شرط ثبوت نفقه از نظر علمای امامیه است، محقق شده است. پس با وجود این، آیا می‌توان گفت زوج باید این هزینه‌های درمانی را از باب انفاق به زوجه بپردازد؟

در پاسخ باید گفت خیر، هر چند در این فرض نزدیکی محقق شده است، تحقق نزدیکی به عنوان شرط ثبوت نفقه، قضیه‌ای عام است که با فتوای امام خمینی مبنی بر این‌که هزینه‌های درمانی غیر متعارف مشمول نفقه زوجه نمی‌شود، تخصیص می‌خورد. پس در این جا چند فرض را می‌توان تصور کرد:

۱. در صورتی که زوجه این درخواست را داشته باشد؛ مثلاً درخواست کند که عمل زیبایی بینی، گونه و... را انجام دهد زوج مخیر است که این هزینه را بپردازد یا خیر، البته نه از باب نفقه، بلکه از باب احسان زیرا طبق فتوای مشهور امامیه که امام خمینی (ره) نیز آن را قبول دارد این مورد از موارد غیرمتعارف است و زوج از باب نفقه زوجه مسئولیتی در پرداخت آن ندارد.

۲. اما اگر زوج این درخواست را از زوجه داشته باشد از آن جا که هدف اصلی در ازدواج، استمتاع همسران از یکدیگر است و با انجام جراحی‌های زیبایی بر قسمت‌هایی از بدن زوجه، در صورتی که برای سلامتی وی مضر نباشد، میل زوج به استمتاع از زوجه بیشتر می‌شود و اگر زوجه نیز بپذیرد در این صورت زوج باید تمام هزینه‌های درمانی مربوط به این جراحی را بپردازد زیرا نزدیکی محقق، و نفقه ثابت شده است ولی طبق آن مخصص، نمی‌توان این هزینه را به طور ذاتی جزو هزینه‌های درمانی زوجه دانست. پرداخت این هزینه‌ها به طور ذاتی از باب نفقه واجب زوجه نیست و به صورت عَرَضی جزو نفقه وی محسوب می‌شود زیرا هر چند این هزینه‌ها غیرمتعارف است ولی همسران بر آن توافق کرده‌اند و زوج متقبل پرداخت آن شده است. در این فرض، این نکته نیز به ذهن می‌رسد که اگر زوج غنی بود هزینه درمانی زوجه را می‌پردازد.

۳. ولی در صورتی که زوج انجام آن عمل زیبایی و... در بدن زوجه را مطالبه کند اما فقیر باشد و در مقابل، زوجه غنی باشد آن عمل جراحی زیبایی و غیر ضروری با هزینه زوجه انجام می‌شود و می‌توان گفت به صورت دین بر ذمه زوج می‌ماند یعنی جزو نفقه است، چون نزدیکی محقق شده و از طرفی گرچه هزینه غیرمتعارف و بر خلاف نظر امام خمینی(ره) است، همسران بر آن توافق کرده‌اند و این توافق، اولی است (البته اگر غیرمشروع نباشد).

پس این هزینه، نفقه به شمار می‌رود و اگر زوجه غنی باشد و آن را پرداخته باشد، به عنوان دینی در ذمه زوج باقی می‌ماند که هر وقت زوج غنی شد آن را به زوجه بپردازد. (موسوی بجنوردی، ۱۳۸۶: ص ۷۵)، اما در صورتی که زوج و زوجه بر انجام آن عمل جراحی زیبایی و... توافق کنند، ولی هیچ یک غنی نباشند بلکه فقیر یا متوسط الحال باشند، با کمک یکدیگر می‌توانند آن هزینه را تأمین کنند چون شرع نفقه را محدود نکرده؛ بلکه آن را بر زوج واجب کرده و اندازه‌اش را به نظر عرف و همسران گذاشته است.

در جمع بندی نظر علمای امامیه، این پرسش مطرح می‌شود که اگر زوجه به عمل جراحی نیاز داشته باشد، آیا زوج ملزم به تأمین مخارج بیماری و عمل جراحی وی است؟ پاسخ این پرسش، ما را به این بحث می‌کشاند که آیا مخارج درمانی جزو نفقه زوجه است یا خیر. در مراجعه به نصوص، به این آیه قرآن می‌رسیم که می‌فرماید: (...رِزْقَهُنَّ وَكِسْوَتَهُنَّ...) (بقره: ۲۳۳)؛ در احادیث نیز آمده که برطرف کردن گرسنگی زوجه و پوشاندن عورت او بر عهده زوج است (نجفی، ۱۴۰۶: ص ۳۰۲) ولی در کتاب و سنت، ذکری از دارو و پزشک و درمان نیست. فقها نیز معمولاً نفقه را به خوراک، پوشاک، مسکن محدود کرده‌اند و به درمان تصریح نشده است حتی این نظر هم وجود دارد که زوجه استحقاق دارو برای درمان مرض و دستمزد حجامت و حمام را جز در هوای سرد از زوج ندارد. در این میان، فتوای امام خمینی(ره) قابل قبول است که اگر زوجه به سبب بیماری‌های متداول به درمان نیاز داشته باشد بر زوج واجب است که هزینه آن را بپردازد و اگر بیماری نادر و صعب‌العلاجی است که درمان آن به هزینه فراوان نیاز دارد، جزو نفقه وی به شمار نمی‌رود و زوج ملزم به تأمین آن نیست.

ج) شرط کردن در ضمن عقد نکاح

هر یک از همسران می‌توانند ضمن عقد نکاح، شروطی را قرار دهند، البته شرطی که خلاف شرع و نیز خلاف مقتضای ذات آن عقد نباشد. شرط انجام دادن عمل جراحی غیرضروری، اعم از جراحی زیبایی و... را چه زوجه در ضمن عقد نکاح شرط کند و چه زوج، در هر دو صورت زوج باید هزینه آن را بپردازد زیرا اگر زوجه آن را شرط کرده باشد زوج آن را پذیرفته و ملزم به پرداخت آن هزینه به عنوان نفقه زوجه است. حال اگر خودش هم آن عمل جراحی غیرضروری یا زیبایی را در زوجه، در ضمن عقد نکاح شرط کند (البته در صورتی که برای زوجه ضرری نداشته باشد) باز هم خود زوج باید هزینه آن را به عنوان نفقه زوجه بپردازد. فرق این دو مورد در این است که اگر زوجه آن شرط را ضمن نکاح بیان کند اثرش فقط اجبار زوج به پرداخت هزینه آن جراحی یا درمان غیرضروری یا زیبایی است اما اگر زوج آن را ضمن عقد نکاح شرط کند، افزون بر این که خودش باید هزینه آن را بپردازد باید زوجه نیز تغییر آن قسمت از بدنش را که زوج خواستار تغییر آن است، بپذیرد.

شمول مخارج تحصیلی زوجه در نفقه

در اینکه آیا هزینه تحصیل زوجه برعهده زوج است یا خیر می‌توان دو عقیده اظهار داشت یک عقیده آن است که بگوییم نفقه فقط شامل نیازهای ضروری با توجه به عرف است و از آنجا که تحصیل جزو نیازهای ضروری نیست شامل نفقه نمی‌شود. (طباطبایی یزدی، ۱۳۸۶، ص ۲۵)؛ (جصاص، ۱۴۲۶ق، ص ۲۸)

عقیده دوم آن است که ملاک و مبنا عرف است و وقتی که در عرف و درکلام فقها تأمین هزینه لوازم آرایش جزو نفقه ذکر شده است به طریق اولی مخارج تحصیل که جزو نیازهای اولیه زندگی امروز است جزو نفقه است.

نظر دوم صائب تر به نظر می‌رسد در ماده ۱۱۰۷ قانون مدنی نیز «تمام نیازهای متعارف» آمده است که این توسعه در مصادیق شئون زندگی است که همه گونه تعهدات زوجه را که عرف (مدون و غیر مدون) در خانواده لحاظ می‌کند، دربرمی‌گیرد، به شرط آن که با عقل و شرع

منافات نداشته باشد. ذکر این نکته ضروری است که در مورد شمول یا عدم شمول هزینه تحصیلی زوج در نفقه وی، فقها به صراحت و تفکیک، مطلبی بیان نکرده اند، از این رو این بحث را از نظر قانون مدنی ایران و با استناد به اصول استنباط پی می‌گیریم.

مهم‌ترین ماده قانون مدنی که محدوده نفقه زوج را کاملاً مشخص کرده، ماده ۱۱۰۷ است که بیان می‌دارد: «نفقه عبارت است از همه نیازهای متعارف و متناسب با وضعیت زن، از قبیل: مسکن، البسه، غذا، اثاث منزل و هزینه‌های درمانی و بهداشتی و خادم، در صورت عادت یا احتیاج به واسطه نقصان یا مرض.» همانطور که ملاحظه شد، در این ماده نیز به صراحت به مخارج تحصیلی زوج اشاره نشده است، برخلاف هزینه‌های درمانی زوج که این ماده، به صراحت آن را جزو نفقه دانسته است. اما از دو عبارت در این ماده برای رسیدن به مطلوب می‌توان استفاده کرد عبارت «همه نیازهای متعارف و متناسب با وضعیت زوج»؛ عبارت «از قبیل».

گرچه در این ماده به صراحت، هزینه تحصیلی زوج بیان نشده است اما از عبارت «همه نیازهای متعارف و متناسب با وضعیت زن»، متوجه می‌شویم که این نیازهای متعارف شامل هزینه تحصیلی زوج نیز می‌شود البته با در نظر گرفتن لفظ «متعارف». بنابراین، در صورتی که زوج در سطحی مشغول به تحصیل است یا بخواهد وارد سطوح تحصیلی شود که هزینه آن بسیار بالا و نامتعارف باشد، چه پیش از عقد نکاح باشد و چه بعد از آن، زوج مسئولیتی در پرداخت آن هزینه‌ها ندارد. لفظ «از قبیل» هم که در این ماده بیان شده، نشان دیگری بر غیرحصری بودن مصادیق و موارد نفقه زوج در این ماده است. بنابراین، هزینه تحصیل زوج را هم با استناد به این عبارت می‌توان جزو نفقه وی به شمار آورد. البته همان‌طور که گفته شد، در حد متعارف. (یزدی، ۱۳۸۴: ص ۴۸)

الف) هزینه‌های تحصیلی زوج در دوران عقد

در این جا این سؤال کلی مطرح است که آیا زوج، مستحق دریافت نفقه در مدت عقد و قبل از ازدواج و نزدیکی هست یا خیر؟ در پاسخ باید گفت: در این فاصله، نفقه‌ای به زوج تعلق نمی‌گیرد مگر اینکه برای شروع زندگی اعلام آمادگی کرده باشد، ولی زوج از بردن او خودداری کند.

در این صورت زن، مستحق دریافت نفقه است. در این فرض، زوجه باید بتواند ادعای خود را ثابت کند یعنی یا با مراجعه به نزدیک‌ترین مجتمع قضایی محل سکونت خود، در اظهارنامه اعلام آمادگی کند، یا این‌که چند نفر را شاهد بگیرد و شهادتنامه تنظیم کند. هم‌چنین به زنی که بعد از عقد، شروع زندگی زناشویی و رفتن به خانه شوهر را به پرداخت مهریه منوط کند، نفقه تعلق می‌گیرد و مرد مکلف است نفقه او را بپردازد. (صدیق اورعی، ۱۳۸۰: ص ۹۶)

۱. در صورتی که نزدیکی محقق نشده باشد

همان‌طور که در مباحث گذشته (هزینه درمانی زوجه) بیان شد، از دیدگاه علمای امامیه، نفقه زوجه بعد از نزدیکی ثابت می‌شود و زوج مکلف به پرداخت آن است این قضیه عام است و از طرفی، قید متعارف بودن که هم در ماده ۱۱۰۷ از قانون مدنی و هم در فتوای امام خمینی (ره) مطرح بوده، مخصص است. بنابراین، در صورتی که نزدیکی محقق شده باشد، زوج مکلف است نفقه زوجه را در مخارج و نیازهای متعارف وی بپردازد. (محقق داماد، ۱۳۸۴: ص ۹۷)

حال در فرضی که فقط نکاح میان زن و مرد منعقد شده باشد، طبق این دیدگاه چون دخول محقق نشده، قضیه عام منتفی است. از این رو نفقه برای زوجه ثابت نشده و دیگر درباره متعارف یا غیرمتعارف بودن هزینه‌ها که مخصص است، بحثی نمی‌شود چون وقتی عام قضیه منتفی شده است، سالبه به انتفاع موضوع است و دیگر نوبت به مخصص نمی‌رسد.

۲. در صورتی که نزدیکی محقق شده باشد

همان‌طور که در قسمت قبل توضیح داده شد طبق دیدگاه علمای امامیه، وقوع نزدیکی موجب ثبوت نفقه زوجه می‌شود و از نظر زمانی فرقی نمی‌کند که دخول در زمانی باشد که هنوز ازدواج رسمی صورت نگرفته و زوجه در منزل پدرش باشد یا این‌که ازدواج محقق شده و زوجه در منزل زوج باشد. در هر دو صورت، با توجه به مخصص (متعارف بودن نیازهای زوجه) زوج مکلف به پرداخت هزینه‌های زوجه، از جمله هزینه تحصیلی وی است. (انصاری، ۱۴۱۵: ص ۲۵۶)

ب) هزینه‌های تحصیلی زوجه در دوران بعد از ازدواج و تحقق نزدیکی

در این صورت، مسئله مشمول قضیه ثبوت نفقه زوجه بعد از دخول می‌شود اما افزون بر این که متعارف بودن هزینه تحصیلی زوجه مخصص است، چندین حالت در این فرض وجود دارد.

۱. اشتغال زوجه به تحصیل، پیش از ازدواج

در صورتی که زوجه پیش از ازدواج مشغول به تحصیل بوده و تحصیل او نیز هزینه‌هایی داشته و زوج هم با اطلاع از این موضوع، از او تقاضای ازدواج کرده است چون نزدیکی محقق شده، زوج ملزم به پرداخت آن هزینه‌ها است. البته باید مخصص (متعارف بودن) را نیز در نظر گرفت. از این رو اگر زوجه پیش از ازدواج مشغول به تحصیل بوده و زوج هم با آگاهی از این موضوع با او ازدواج کرده، ولی هزینه‌های تحصیلی زوجه غیرمتعارف و بسیار بالا باشد، در صورتی که زوج هنگام عقد، پرداخت این هزینه‌ها را نپذیرفته باشد ملزم به پرداخت همه آن مخارج از باب نفقه زوجه نیست هر چند می‌تواند از باب احسان و در صورت تمایل، به زوجه بپردازد یا هزینه متعارف را به عنوان نفقه زوجه پرداخت کند و مقدار مازاد بر مقدار متعارف را یا بپردازد یا از باب احسان به زوجه بپردازد، نه به عنوان وظیفه شرعی و قانونی. (شریف، ۱۳۷۶: ص ۵۳؛ حبیبی‌تبار، ۱۳۸۷: ص ۸)

این بحث برای موردی است که زوجه پیش از ازدواج مشغول تحصیل بوده و زوج با آگاهی از آن، به عقد ازدواج با وی موافقت کرده است.

۲. اشتغال نداشتن زوجه به تحصیل، پیش از ازدواج

در این صورت چند فرض متصور است:

یک - زوجه بعد از عقد نکاح و پیش از ازدواج رسمی و پیش از تحقق نزدیکی، بخواهد مشغول تحصیل شود

در این فرض، بحث دو جنبه می‌یابد یکی اذن زوج به عنوان سرپرست زوجه برای اشتغال وی به تحصیل و دیگری هزینه تحصیلی زوجه. در مورد اذن، بی‌شک باید زوج رضایت داشته باشد و در صورتی که به دلیل موجه و قانع‌کننده‌ای با ادامه تحصیل زوجه مخالفت کند، زوجه باید مطیع و تابع نظر زوج باشد وگرنه ناشزه است و مستحق هیچ‌گونه نفقه‌ای نیست ولی در صورتی که زوج

بدون دلیل موجهی مخالفت کند و اشتغال زوجه به تحصیل کاملاً در چهارچوب قانون و شرع باشد، زوجه می‌تواند با نظر زوج مخالفت کند و در صورتی که میان آنها اختلاف ایجاد شود دعوا را به مراجع قضایی صالح رسیدگی ببرد.

اما اگر تحصیل زوجه هزینه‌دار باشد، آیا هزینه تحصیلی‌اش در دوران عقد جزو نفقه وی محسوب می‌شود یا خیر؟ بیان شد که هزینه تحصیل زوجه در این دوران (عقد و پیش از نزدیکی) از باب نفقه بر عهده زوج نیست ولی او می‌تواند از باب احسان آن را به زوجه بپردازد و کاملاً مخیر است.

دو - زوجه بعد از ازدواج رسمی و تحقق نزدیکی، بخواهد مشغول تحصیل شود

در این جا نیز دو وجه وجود دارد: یکی اذن زوج است که مانند فرض قبلی است و دیگری این‌که آیا هزینه تحصیلی زوجه، جزو نفقه وی محسوب می‌شود و زوج مکلف است که از باب نفقه زوجه آن را بپردازد؟ در پاسخ باید گفت طبق قضیه عام، بعد از تحقق نزدیکی نفقه زوجه ثابت می‌شود. از این رو او مستحق دریافت نفقه است ولی منحصی نیز وجود دارد که متعارف بودن نیازها و مخارج زوجه است. بنابراین، اگرچه دخول صورت گرفته و زن مستحق دریافت نفقه است در این فرض به طور مطلق نمی‌شود گفت زوج ملزم به پرداخت هزینه تحصیلی زوجه است یعنی اگر هزینه تحصیلی زوجه در آن مقطع، بسیار بالا و غیرمتعارف باشد، زوج ملزم به پرداخت کل آن به عنوان هزینه نفقه زوجه نیست بلکه در این مورد چون خود زوج (بعد از ازدواج) اجازه داده که زوجه به تحصیل بپردازد (نه در دوران عقد) از نظر عقلی و اخلاقی نمی‌تواند از پرداخت هزینه‌های تحصیلی او سر باز زند بلکه می‌تواند مقدار متعارف آن هزینه‌ها را از باب نفقه زوجه بپردازد زیرا اذن درسی، اذن در لوازم آن نیز هست و هزینه تحصیل هم از لوازم تحصیل است و باید پرداخت شود ولی مقدار مازاد بر متعارف را از باب احسان پرداخت کند نه از باب انفاق.

ج) شرط کردن زوجه به پرداخت هزینه تحصیلی وی ضمن عقد نکاح

به طور کلی دو طرف هر عقد یا یکی از آنها، می‌توانند در ضمن عقد، هر شرطی که مخالف شرع یا خلاف مقتضای ذاتی آن عقد نباشد قرار دهند. در این فرض که عقد نکاح است، از آن جا که

عقد نکاح جزو عقود لازم است، هر شرطی که در ضمن آن قرار گیرد، لازم می‌شود و واجب است که دو طرف به آن پای‌بند باشند. برای مثال اگر زوجه ضمن عقد نکاح شرط کند که زوج هزینه تحصیلی وی را در هر مقطعی بپردازد هرچند این هزینه‌ها بالا شد، در صورتی که زوج این شرط را بپذیرد ملزم به انجام آن است و در صورتی که هزینه تحصیلی زوجه هم غیرمتعارف باشد زوج از باب شرط ضمن عقد، باید آن را بپردازد. این هزینه، نفقه ذاتی و اولیه زوجه نیست بلکه نفقه‌ای مشروط است (در ضمن عقد نکاح) زیرا ملاک در نفقه اولیه زوجه، متعارف بودن است. (موسوی‌زاده، ۱۳۸۵: ص ۴۵)

بنابراین، در بحث شمول یا عدم شمول مخارج تحصیلی زوجه در نفقه، فقها این مطالب را صریح و دقیق دسته‌بندی کرده‌اند به گونه‌ای که دوران عقد و محقق نشدن نزدیکی را از دوران ازدواج تفکیک و فرض‌های اشتغال زوجه به تحصیل را نیز به قبل و بعد از ازدواج تقسیم کرده‌اند. هرکدام از این موارد، حکم جداگانه‌ای دارند که به تفصیل بیان شد.

نتیجه

در روند این تحقیق، آنچه که حاصل شد این است که نسبت به هزینه‌های تحصیلی و درمانی و هر آنچه که از مستحذات نفقه به حساب می‌آید، برای نفقه دانستن آن باید به عرف آن زمان و احوال زوجه توجه کرد. بر اساس آنچه در طول تحقیق به تفصیل بیان شد، دانستیم که نفقه حقی افسارگسیخته و مطلق برای زوجه نیست که هر زمانی با امتناع زوج از پرداخت آن مواجه شد، بتواند علیه زوج اقدام کند بلکه حقی است محدود به چارچوبی که البته مستحق بودن زوجه به آن نیز، مقید به انجام اموری از سوی وی است که در اصطلاح تمکین نام دارد. در نهایت، ما به این امور مهم پی بردیم:

۱. قلمرو نفقه واجب زوجه بر ذمه زوج، بر اساس عرف هر زمان تعیین می‌شود و موارد منصوص در روایات (خوراک، پوشاک و مسکن) از باب بیان مصداق بوده و موضوعیت ندارند.

۲. هزینه‌های مربوط به درمان‌های ضروری و غیرضروری و هزینه‌های تحصیلی زوجه در

صورتی که متعارف باشند، از نظر شرعی و قانونی (البته با وجود شرایطی که در متن ذکر شد) در قلمرو نفقه زوجه به شمار می‌آیند.

۳. انفاق نکردن زوج، در صورت ناتوانی یا خودداری وی، ضمانت اجرای مدنی و کیفری دارد.

۴. هزینه‌های تحصیلی و درمانی زوجه در امور غیر متعارف، از سوی زوج به زوجه در حکم احسان است و نه تکلیف.

از جمله راهکارهایی که بعد از تدوین این پژوهش برای مؤثر واقع شدن آن می‌توان پیشنهاد داد، این است که چون آموزش همسران، به‌ویژه زوج‌های جوان در بدو ازدواج در زمینه رعایت حقوق و تکالیف متقابل به یکدیگر بسیار ضعیف و کم‌رنگ است، بنابراین در رأس قرار دادن آموزه‌های حقوقی به همسران که برگرفته از این پژوهش و پژوهش‌هایی مانند آن باشد، می‌تواند در پیشبرد آگاهی افراد جامعه به حقوق و تکالیفشان، بسیار مؤثر باشد.

منابع و مأخذ

قرآن کریم / ترجمه فولادوند

۱. ابی داوود، سنن ابی داوود، بیروت - لبنان: انتشارات دارالفکر، ۱۴۲۵ق.
۲. اسلامی، علی، ترجمه تحریر الوسیله، انتشارات اسلامی، ۱۳۸۶.
۳. امامی، اسداله و صفایی، حسین، حقوق خانواده (نکاح و انحلال آن (فسخ و طلاق))، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۰.
۴. امامی، سید حسن، حقوق خانواده، تهران: انتشارات اسلامی، ۱۳۷۳.
۵. انصاری، شیخ مرتضی، کتاب النکاح، قم: مؤسسه باقری، ۱۴۱۵ق.
۶. تنکابنی، مرتضی، ترجمه نهج الفصاحه، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۱.
۷. جزیری، عبدالرحمن، فقه علی المذاهب الاربعه، بیروت - لبنان: دارالاحیاء التراث العربی، ۱۴۰۶ق، ۱۹۸۶م.
۸. جصاص، ابی بکر احمد بن علی الرازی، احکام القرآن، بیروت - لبنان: دارالکتاب علمی، ۱۴۲۶ق.
۹. حبیبی تبار، جواد، بررسی انحلال نکاح به لحاظ ترک انفاق از دیدگاه مذاهب خمس، مجله تخصصی فقه و اصول مدرسه عالی فقه و اصول، شماره ۴۵، زمستان ۱۳۸۷، صفحه ۸.
۱۰. حر عاملی، شیخ محمدحسن، وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشرعیه، تهران: مکتب الاسلامیه، ۱۳۸۶.
۱۱. حسینی زبیدی، محمد مرتضی، تاج العروس من جواهر القاموس، بی جا، مؤسسه تحقیقات و نشر معارف اهل البيت (ع)، ۱۱۴۵-۱۲۰۵ق.
۱۲. حسینی شیرازی، سید محمد، الفقه الکتاب النکاح، قم: انتشارات سیدالشهداء، ۱۳۸۶.
۱۳. خمینی، روح الله، تحریر الوسیله، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، تهران، ۱۳۷۹.
۱۴. خویی، سید ابوالقاسم، مبانی تکملة المنهاج، بی جا، مؤسسه احیاء آثار امام خوئی، ۱۳۸۶.

۱۵. ذهنی تهرانی، سید محمد جواد، المباحث الفقهیه، تهران: بی‌نا، ۱۳۸۶.
۱۶. زمانی درمزاری (فرهنگ)، محمدرضا، حقوق خانواده به زبان ساده (راهنمای حقوقی، علمی و کاربردی نحوه طرح دعاوی حقوقی کیفری مربوط به ازدواج و طلاق)، تهران: نشر نگاه بین، ۱۳۸۷.
۱۷. شریف، علی، نفقه و تمکین در حقوق خانواده، تهران: نشر بشارت، ۱۳۷۶.
۱۸. صدیق اورعی، غلامرضا، ریاست شوهر از دیدگاه قانون مدنی و جامعه، تهران: نشر سفیر صبح، ۱۳۸۰.
۱۹. طباطبایی یزدی، محمد کاظم، عروۃ الوثقی، تهران: ۱۳۸۶.
۲۰. طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه، سید محمد باقر همدانی، قم: نشر دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۳.
۲۱. فرشتیان، حسن، نفقه زوجه در حقوق ایران و مطالعه تطبیقی، قم: مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه، ۱۳۷۱.
۲۲. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.
۲۳. قانون آیین دادرسی مدنی جمهوری اسلامی ایران.
۲۴. قانون مدنی جمهوری اسلامی ایران.
۲۵. قشیری نیشابوری، مسلم بن حجاج، صحیح مسلم، بیروت: دارالفکر، ۱۴۱۹ ق.
۲۶. کاتوزیان، ناصر، حقوق مدنی خانواده (نکاح و طلاق و روابط زن و شوهر)، تهران: انتشارات بهمن برنا، ۱۳۸۷.
۲۷. کاسانی حنفی، ابوبکر ابن مسعود، بدائع الصنائع فی ترکیب الشرایع، قم: دارالعمیه، ۱۴۱۸ ق.
۲۸. کریمی، حسین، ترجمه و تدوین موازین قضایی از دیدگاه امام خمینی (ره)، تهران: چاپ تهران، ۱۳۶۵.
۲۹. لنگرودی، جعفر، ترمینولوژی حقوق، تهران، انتشارات گنج دانش، ۱۳۸۱.
۳۰. محقق حلی، نجم الدین جعفر بن حسن، مختصرالنافع، چاپ اول، قم: مؤسسه بعثت، ۱۴۱۳ ق.

۳۱. محقق داماد، سید مصطفی، بررسی حقوقی خانواده (نکاح و انحلال آن)، مرکز نشر علوم اسلامی، ۱۳۸۴.
۳۲. مصطفی، ابراهیم، المعجم الوسیط، تهران: مؤسسه نشر صادق، ۱۴۲۶ق.
۳۳. معین، محمد، المنجد فی اللغه، تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۸۴.
۳۴. معین، محمد، فرهنگ فارسی معین، تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۸۴.
۳۵. مغنیه، محمد جواد، فقه تطبیقی، ترجمه: کاظم پورجوادی، تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی، ۱۳۷۷.
۳۶. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۶.
۳۷. موسوی بجنوردی، سید محمد، اندیشه‌های حقوقی (حقوق خانواده)، به تلاش ابوالفضل محمدزاده، تهران: انتشارات مجد، ۱۳۸۶.
۳۸. موسوی زاده، سید جواد، تاریخ تحلیلی اسلام، قم: انتشارات چهارده معصوم، ۱۳۸۵.
۳۹. میرزایی، نجفعلی، فرهنگ اصطلاحات معاصر (عربی - فارسی)، تهران: چاپ مهر، ۱۳۷۷.
۴۰. نجفی، شیخ محمد حسن، جواهر الکلام، بیروت: دارالاحیاء التراث العربی، ۱۴۰۶ ق.
۴۱. یزدی، ابوالقاسم بن احمد، ترجمه فارسی شرایع الاسلام، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۴.